

دلایل درست و نادرست ازدواج

ازدواج یک نیاز طبیعی است و در این هیچ شکی نیست. اما باید دلایل منطقی برای آن داشته باشیم.



سلامت نیوز: ازدواج یک نیاز طبیعی است و در این هیچ شکی نیست. اما باید دلایل منطقی برای آن داشته باشیم.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه خراسان؛ شاید شما هم شنیده باشید که می گویند فلانی هنوز وقت ازدواجش نرسیده است، این حرف فقط خطاب به آن هایی گفته نمی شود که سن شان کم است یا شرایط و پیش نیازهای اولیه و لازم ازدواج را ندارند، گاهی اوقات برخی از افراد دور و برمان دلایل بچگانه و ناپخته ای برای ازدواج دارند و براساس همین دلایل پای سفره عقد می نشینند، ولی وقتی در ازدواج به اهداف خود نمی رسند آن جاست که تازه احساس پشیمانی و شکست می کنند، غافل از این که کمی دیر شده است.

دلایل درست ازدواج

بد نیست ابتدا نگاهی به دلایل درست و قابل قبول برای ازدواج بیندازیم اگر برای ازدواج این دلایل را دارید نشان می دهد که به قدر کافی عاقل شده اید و انگیزه درست برای ازدواج دارید، در حقیقت وقت ازدواج تان رسیده است.

۱- مصاحبت و همراهی: دختر و پسر به یک سنی که می رسند دوست دارند یک کسی را داشته باشند که از حال و روزشان برایش حرف بزنند، مسائل زندگی شان را به او بگویند و... و در مقابل طرف دیگر به حرف هایشان گوش بدهد و در مسائل مختلف کمکشان کند و در یک کلام همراهشان باشد. این یک نیاز طبیعی و معقول است. اگر یکی از دلایلی که می خواهید ازدواج کنید داشتن یک همراه و همنشین خوب است، پس بجنید که دیر نشود.

۲- عشق و محبت: همه انسان ها به مهر و محبت نیاز دارند اما گاهی کار به جایی می رسد که نیاز دارید یک نفر باشد که دوستش داشته باشید و او هم شما را دوست داشته باشد. کسی که عشق و محبتش جدا از عشق و محبت پدر و مادر و خانواده باشد. البته فراموش نکنید که عشق و محبت می تواند لازمه یک ازدواج باشد ولی برای آن کافی نیست. (درباره این که چرا عشق برای ازدواج کافی نیست در شماره های گذشته مفصل صحبت کردیم)

۳- شریک حمایت کننده: دخترها و پسرها معمولا می خواهند کسی را داشته باشند که در کنارش احساس آرامش و امنیت کنند و به خاطر همین ازدواج می کنند. یعنی دنبال یک شریک خوب می گردند که در زندگی حامی آنها باشد. این نه تنها ضعف نیست، که یک نقطه قوت هم هست، در واقع شریک شدن در موفقیت های یکدیگر و حمایت اصیل و صمیمانه می تواند به بقای ازدواج کمک کند ولی اگر هدف یکی از دو نفر از ازدواج فقط رشد خود و رسیدن به علایق شخصی باشد، این ازدواج با شکست مواجه خواهد شد.

۴- نیاز جنسی: گرایش انسان ها به جنس مخالف یک گزینه طبیعی است. اصلا یکی از دلایلی که ازدواج تداوم پیدا می کند همین است که هر کسی به یک مکمل و شریک از جنس مخالف نیاز دارد و ازدواج تنها راه طبیعی و مشروع پاسخ به این نیاز است. البته نیاز جنسی نیز نباید تنها دلیل برای ازدواج باشد.

۵ - والد شدن: دلیل درست دیگر برای ازدواج صاحب فرزند شدن است. والد شدن موهبتی است از سوی خداوند و آمیخته با تجربه هایی ناب، درباره مزایای والد شدن نیز در شماره های گذشته صحبت کردیم و گفتیم که اگر زوجین از نظر روحی آماده والد شدن باشند. آمدن فرزند می تواند بر دوام ازدواج شان تاثیر مثبت داشته باشد.

دلایل نادرست ازدواج

هیچ انسان عاقل و بالغی منکر این نیست که ازدواج خوب و لازم است اما اول باید تکلیفتان با خودتان معلوم باشد که اصلاً چرا دارید ازدواج می‌کنید؟ نگویید ازدواج کردن دلیل نمی‌خواهد. اگر شما در ناخودآگاه دلایل غیرمنطقی برای ازدواج داشته باشید ممکن است در آینده دچار مشکلاتی شوید که حل کردنش از عهده هیچ کس برنیاید.

پس حواستان را جمع کنید در ادامه شما را با چند دلیل نادرست برای ازدواج آشنا می‌کنیم:

۱- لج بازی با والدین: خیلی‌ها به خاطر این ازدواج می‌کنند که با خانواده هایشان لج بازی کرده باشند. خب این دیگر گفتن ندارد که شما حتی اگر با این کار از پدر و مادرتان انتقام هم بگیرید، باز دودش به چشم خودتان می‌رود. چون با این کار خانواده تان را از دست داده اید و پشتوانه ای برای روزهای سخت زندگی دو نفره تان نخواهید داشت.

۲- فقط برای استقلال: معمولاً آدم‌ها باید مستقل شوند تا بعد بتوانند ازدواج کنند. اما گاهی قضیه برعکس می‌شود؛ بعضی‌ها می‌خواهند به وسیله ازدواج که یک دلیل بیرونی است، مستقل شوند یعنی خودشان را با ازدواج مجبور به استقلال کنند. اگر شما موفق شدید یک پارچ آب را با چنگال بخورید، در این کار هم موفق می‌شوید! البته همیشه فرض محال، محال نیست اما هزینه این فرض خیلی بالاست!

۳- التیام یک رابطه شکست خورده: این هم از آن دلایل پیچیده است که خیلی‌ها از روی غفلت به آن تن در می‌دهند. اگر در یک رابطه عشقی به هر دلیلی شکست خورده اید و #171نه؛« شنیده اید و حالا می‌خواهید از راه ازدواج با فرد دیگری به خودتان ثابت کنید که می‌توانید عزت نفستان را بازگردانید، سخت در اشتباه هستید...

۴- فشار خانواده و اجتماع: #171زن بگیر، موهات داره رنگ دندونات میشه«؛«؛ به این خواستگار جواب بده داری تو خونه می‌ترشی!« و... کافی است چندتا دختر معرفی کنند و شما بگویید نمی‌خواهم یا چندتا خواستگار بیاید و شما ردشان کنید، آن وقت است که سیل حرف و حدیث‌هایی از این قبیل از هر طرف به سویتان جاری می‌شود. هر چند این مسائل فشار روانی بسیاری به آدم وارد می‌کند ولی حواستان باشد که تنها، به دلیل خلاص شدن از این فشارها ازدواج نکنید.

۵- به خاطر آرزوهای پدر و مادر: خوشبختانه این موضوع در حال ور افتادن است. اما گاهی پیش می‌آید که پدر و مادری فرزند بینوا را مجبور می‌کنند که با یک نفر به خصوص ازدواج کند. خودتان تصور کنید که با شرایط امروز چه زندگی در پیش روی این زوج اجباری است. احترام گذاشتن به خواسته‌های پدر و مادر برای فرزندان واجب است اما نه این که اگر والدین تان اصرار کردند که با کسی ازدواج کنید برای به دست آوردن دل آن‌ها از خواسته و علاقه خود چشم‌پوشی و برای همیشه خود را اسیر رویاهای آن‌ها کنید. در ضمن طوری هم نباشد که از آن طرف بام بیفتید و برای ازدواج، خودسرانه عمل کنید، هر چقدر هم که تحصیلات داشته باشید باز هم تجربه تان از والدین تان کمتر است. پس در انتخاب همسر مشورت‌ها و نصایح آن‌ها را بسیار بسیار جدی بگیرید.

۶- پول، پول، پول!؛ بعضی وقت‌ها دختر و پسر در انتخاب همسر، فقط به پول طرف مقابل نگاه می‌کنند تا بعد از ازدواج به واسطه خانواده همسر به یک نان و نوایی برسند. حالا تصورش را بکنید که بعد از ازدواج خانواده پولدار ورشکسته شوند یا به هر دلیلی شما را به خواسته پولکی‌تان نرسانند، دیگر به چه امیدی می‌شود آن زندگی را ادامه داد.

۷- درمانی برای تنهایی: بعضی موقع‌ها یک نفر صرفاً به خاطر این که تنهاست، تصمیم به ازدواج می‌گیرد بدون این که شرایط ازدواج را داشته باشد. وقتی که احساس تنهایی می‌کنید و به تنگ آمده اید، احتمال آن که انتخاب‌های ضعیف تری بکنید بالا می‌رود و یا از روابطی سر در خواهید آورد که هیچ سودی برای شما ندارد.

۸- احساس گناه یا ترحم: اگر دل آدم برای یک نفر بسوزد و به همین خاطر با او ازدواج کند، معلوم است که روابط آن‌ها نمی‌تواند مثل زن و شوهرهای معمولی عادلانه و برابر باشد. این طوری حتماً کسی که دلسوزی کرده است بعدها احساس قربانی بودن می‌کند.

۹- احساس کمبود یا تهی بودن: بعضی افراد فقط به خاطر این احساس کمبود، ازدواج می‌کنند و این هم اشتباه است. این افراد می‌خواهند طرف مقابلشان نواقص کودکی‌شان را برطرف کند. آنها با این عمل از طرف مقابل توقع دارند تا نقش پدر و یا مادر را برای آن‌ها بازی کند که ممکن است به زودی موجب خسته شدن طرف مقابل شود.

۱۰ - ازدواج ابزاری: گاهی انگیزه اصلی در تشکیل زندگی مشترک، عشق به فرد مقابل یا نیاز روان‌شناختی به زیستن با فرد مقابل نیست؛ بلکه او وسیله‌ای برای رسیدن به هدف‌های دیگر می‌شود. برای نمونه، خانمی که دوست دارد در خارج از کشور زندگی کند، ممکن است با پیشنهاد فردی برای ادامه زندگی مشترک در خارج، با او ازدواج کند! بنابراین گاهی ازدواج به خاطر ترس از تنهایی، از

دست دادن زیبایی، از دست دادن پدر و مادر، کاهش شور زندگی و ... انجام می گیرد. در چنین فضایی، امکان سازگاری با مشکل های زندگی، کم و در نهایت، ضریب ریسک این ازدواج ها، بالا است.